

معمای پیشرفت

آیا دین و دین‌داری با پیشرفت در تعارض است؟



- مگر ممکن است کسی قدر و ارزش نفت را نشناسد؟! - «طلای سیاه» کمترین تعبیری است که مترادف واژه نفت واقع شده.

- نفت یعنی ثروت.

- نفت یعنی قدرت.

پس:

• در اینکه نفت سرمایه‌ای گران بها و بی‌بدیل محسوب می‌شود، کمترین شك و تردیدی نیست.

• عموم کشورهای که فقیر و عقب‌افتاده و جهان سوم محسوب می‌شوند، به عبارت دیگر، عموم این کشورهای فقیر، روی گنج‌هایی بی‌نظیر و تجدید ناپذیر نشسته‌اند.

• اغلب کشورهای مترقی و توسعه یافته فاقد ذخایر نفتی هستند و نیاز حیاتی به این منبع انرژی را از کشورهای دیگر تأمین می‌کنند. لطفاً برگردید به ابتدای بحث!

آیا از جمع بستن این سه واقعیت می‌توان به این نتیجه رسید که: دلیل فقر و بدبختی و عقب‌افتادگی کشورها وجود ذخایر نفتی در آن ممالک است؟

آیا نفت - این طلای سیاه - فی‌نفسه می‌تواند موجب فقر و بدبختی و عقب‌ماندگی یک کشور بشود؟!

هیچ عقل سالمی نمی‌تواند این نتیجه‌گیری را بپذیرد، به این سؤال پاسخ مثبت بدهد و نفت را عامل فقر و فلاکت و بدبختی کشورها به شما بیاورد.

عقل سالم و منطق درست در مواجهه با این صورت مسأله چه می‌گوید؟

به این دلیل که عموم کشورهای فقیر و محروم و عقب‌افتاده از ذخایر نفتی برخوردارند نمی‌توان ارزش نفت را زیر سؤال برد. یا وجود ذخایر نفتی را عامل فقر و فلاکت و بدبختی به شمار آورد.

اگر کشوری یا کشورهایی علیرغم داشتن ذخایر نفتی همچنان در فقر و فلاکت و بدبختی به سر می‌برند، دلایل عقب‌ماندگی‌شان را در جاهای دیگری باید جستجو کرد، نه در نعمتی که ارزش وجودی آن تردید ناپذیر است.

حالا لطفاً برگردید به ابتدای بحث و سؤال و جواب‌هایی که پیرامون دین و کشورهای پیشرفته و عقب‌افتاده مطرح شد. و خودتان زحمت انطباق این مثال را با آن بحث بکشید و نقش و سهم دین را در رشد و توسعه یا فقر و عقب‌ماندگی کشورها ببینید و ببینید که در کجا باید به دنبال دلایل خوشبختی یا بدبختی کشورها بگردید.

برخی معتقدند که در جهان امروز، هرچه تمدن، پیشرفت، قدرت و توسعه است، از آن کشورهای است که با دین میانه‌ای ندارند و هرچه فقر، بدبختی، فلاکت، ظلم و تبعیض است، نصیب کشورهای است که اهل اعتقاد به دین و مذهب‌اند.

اگر بگویید که این حرف، قضاوتی بی‌پایه و اساس است یا این قاعده، کلی نیست، برایتان آن قدر مصداق و نمونه از هر دو سو می‌آورند که چاره‌ای جز پذیرش نداشته باشید.

آن‌ها می‌گویند: مگر کشورهای آمریکا، روسیه، چین و انگلیس، قدرت‌های برتر جهان محسوب نمی‌شوند؟ آن قدر که می‌توانند تمام تصمیمات کشورهای جهان را با حق و تو، زیر پا بگذارند و حرف خودشان را بر کرسی بنشانند؟ آیا کشورهای مثل ژاپن، کره، تایوان و سنگاپور به لحاظ رشد و توسعه و فناوری در جایگاه برتر جهان قرار ندارند؟ در کدام یک از این کشورها، چه در سطح دولت و حکومت و چه در میان مردم و ملت، دین و مذهب حضور و جایگاه جدی دارد؟

و از آن‌سو، مگر کشورهای مثل پاکستان، افغانستان، بنگلادش، عربستان، عراق، سوریه، لبنان و... که مردم مسلمان یا حکومت دینی دارند، جزو کشورهای جهان سوم محسوب نمی‌شوند؟!

آیا براساس این همه نمونه و مصداق نمی‌توان به این حکم رسید که: دین و باورهای دینی وجه مشترک میان کشورهای فقیر و عقب‌افتاده است.

• دین افیون توده‌هاست و وسیله‌ای برای استعمار و استثمار کشورهای ضعیف توسط قدرت‌های برتر.

• دین و اعتقاد به آن عامل فقر و فلاکت و بدبختی و عقب‌افتادگی است و بی‌دینی رمز موفقیت و پیشرفت و ترقی و توسعه!

سؤال اساسی

و حالا سؤال اساسی و بنیادین این است که رمز و راز پیشرفت و موفقیت کشورهای بی‌اعتقاد به دین از یک‌سو، و از سوی دیگر علل و دلایل عقب‌ماندگی کشورهای مسلمان و معتقد و متدین چیست؟!

پیش از آنکه به کنکاش در مورد رمز و راز و علل و عوامل این قضایا بپردازیم، مایلیم که توجه شما را به چند نکته‌ی ظاهراً بی‌ربط جلب کنم:

آیا به نظر شما نفت اساساً چیز مفید و ارزشمندی است یا مضر و بی‌ارزش؟

آیا کشوری که دارای ذخایر نفتی است، کشوری ثروتمند محسوب می‌شود یا فقیر و بدبخت و بیچاره؟!

نه شما و نه هیچ‌کس دیگر برای پاسخ به این سؤال کمترین مکث، تأمل و تردیدی نمی‌کنید. حتی ممکن است مرا به خاطر طرح این سؤال روشن و بدیهی شماتت کنید.

- این چه جای سؤال است؟!

- پاسخ این سؤال از روز روشن‌تر است!